

## روزنامه... روزنامه... آخرین خبر!



مهرشاد کاظمی



داریوش شهبازی



نصرالله حدادی



اردشیر آل عوض



ابراهیم افشار



ابراهیم افشار



محمد بیطرفان



آرا واتسیان



حمید ناصری

روزی که وقایع مملکتی در کاغذ اخبار چاپ شد و چشم تهرانی‌ها به حروف سیاه‌وسفید روی کاغذ خیره ماند، یکی از خاص‌ترین روزهای پایتخت بود. از آن روزگار زمان زیادی می‌گذرد؛ روزگار کاغذهایی که با نوشته‌های ریز و درشت جماعتی را با خود همراه می‌کردند و مرور هر کدامشان مرور تاریخ مردم آن زمانه است؛ کاغذهای اطلاعات و خبری که به نام روزنامه شهره شد و در دوران مشروطه به اوج خود رسید؛ دورانی که نشریات مختلف با موضوعات مربوط به زنان و کودکان برای نخستین بار در مطبوعات جان گرفت. در این شماره همشهری محله، بررسی تاریخ مطبوعات تهران مورد توجه قرار گرفته است. نخستین روزنامه رنگی، نخستین روزنامه‌نگار زن، نخستین نشریه ورزشی پایتخت، ماجرای کوجه توزیع جراید در لاله‌زار، روایتی از نشریات زرد و قصه شاه روزنامه‌نویسی را می‌توانید در شماره حاضر بخوانید. ویزنامه این شماره حاصل گفت‌وگو با تهران پژوهانی چون مهرشاد کاظمی، نصرالله حدادی، داریوش شهبازی، اردشیر آل عوض، محمد بیطرفان، حمید ناصری، ابراهیم افشار (روزنامه‌نگار و تاریخ‌نگار ورزشی) و آرا واتسیان درباره تاریخ روزنامه‌نگاری تهران است.



مجله بلدی در ۱۰۰ صفحه منتشر می‌شود و عنوان نخستین مجله با جلد رنگی پایتخت را یدک می‌کشد. جالب است که ۷۰ سال بعد و در آذر سال ۱۳۷۱، روزنامه همشهری به‌عنوان نخستین روزنامه تمام‌رنگی در تهران منتشر شد و این نقطه مشترک بلدی به از نسل نخست روزنامه‌های تهران و همشهری به‌عنوان نماینده نسل جدید نشریات پایتخت به شمار می‌رود.

## منحصر به فردترین نشریه تاریخ معاصر

حمید ناصری، پژوهشگر تاریخ بلدی، در این باره می‌گوید: «روزنامه بلدی در اوج انقلاب مشروطه و هنگام تصویب قانون بلدی در سال ۱۲۸۶ شمسی منتشر شد و مدیریت آن را مرتضی موسوی و میرزا ابوالقاسم همدانی برعهده داشتند. این روزنامه ابتدا ۸ صفحه داشت و فقط ۱۷ شماره دوام آورد. بعد از تعطیلی روزنامه بلدی، در سال ۱۳۰۱ و از طرف اداره بلدی تهران، مجله‌ای با همین نام منتشر شد که هنوز برای بسیاری از محققان و پژوهشگران یک منبع اطلاعاتی قابل‌اعتنا به حساب می‌آید»

مجله بلدی در عمارت بلدی در حوالی میدان سپه قدیم و امام خمینی (ره) فعلی منتشر می‌شد و آرام آرام به ارگان رسمی مدیران شهری تهران تبدیل شد. مطالب این نشریه حاوی اخبار انجمن‌های بلدی، مقالات تاریخی-اجتماعی و خبرهای روز بلدی تهران بود که با جلد رنگی و گراورهایی از فضای شهری تهران در چاپخانه فردوسی به چاپ می‌رسید. ناصری درباره اهمیت و جایگاه مجله بلدی در تاریخ مطبوعات تهران می‌گوید: «مرحوم عبدالله انوار، نسخه‌شناس و تهران‌پژوه معاصر، همواره از بلدی به‌عنوان منحصر به فردترین نشریه تاریخ معاصر نام می‌برد. استاد انوار معتقد بود اطلاعات این مجله پاسخگوی محققان و پژوهشگران حوزه تهران‌شناسی است و اطلاعات مهمی درباره تهران ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ را مخاطب می‌دهد.»

■ موضوع: بلدی  
 ■ ویژگی: نخستین مجله با جلد رنگی تهران

آرشیو و تاریخچه انتشار رسانه‌های مکتوب در پایتخت حاوی اطلاعات مهمی است که خواندن آنها خالی از لطف نخواهد بود. انطور که در منابع مکتوب تاریخی به ثبت رسیده از «کاغذ اخبار» باید به‌عنوان نخستین روزنامه‌ای که در تهران منتشر شده نام برد. بعد از کاغذ اخبار، وقایع اتفاقیه، روزنامه دولت علیه ایران و با فاصله‌های زمانی هم روزنامه‌های مصوری مثل شرف و شرافت با مدیریت میرزا حسن اعتماد السلطنه منتشر شد اما انتشار نخستین مجله‌ای که ارگان رسمی مدیران شهری شد حکایت نسبتاً مفصلی دارد. با رونق مکتب روزنامه‌خوانی و روزنامه‌نویسی در تهران قدیم، اتفاقات عجیبی در پایتخت رخ داد که از اهمیت مقوله انتشار رسانه مکتوب و تأثیر آن روی توده مردم حکایت داشت. ترور عبدالحمید متین السلطنه ثقفی، مدیر مسئول روزنامه عصر جدید و برادر نخستین رئیس بلدی تهران، در سال ۱۲۹۶ را باید از جنس همین اتفاقات دانست.

انتشار مجله و روزنامه در تهران از سال ۱۳۰۰ شمسی با انتشار روزنامه‌هایی که صفحات چاپی و گراورهای رنگی داشت اوج گرفت و یکی از این روزنامه‌ها «بلدی» بود.

## قتل شاعر لب‌دوخته به دستور رضاشاه



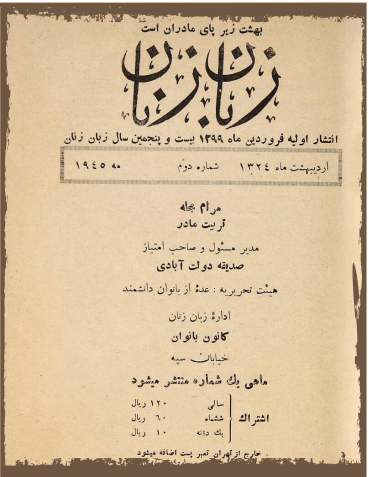
■ موضوع: محمد فرخی بزدی  
 ■ ویژگی: نخستین روزنامه‌نگار تبعیدی پایتخت

محمد فرخی بزدی یکی از نخستین روزنامه‌نگارهایی به شمار می‌رود که با انتشار چند روزنامه در پایتخت و نوشتن مقالات تند و تیز مورد پیگرد قرار گرفت و زندانی شد.

فرخی بزدی با قطعه شعری که در نوروز ۱۲۸۹ بین مردم خواند به شهرت رسید. بعد از این ماجرا بود که حاکم وقت یزد که خودش را مخاطب شعر فرخی بزدی می‌دانست دستور داد دهان شاعر نوجوان را با ناخ و سوزن بدوزند و زندانی‌اش کنند اما فرخی بزدی ۲ ماه بعد و با فشار افکار عمومی آزاد شد و به تهران رفت.

فرخی بزدی چند سال بعد و در سال ۱۳۰۰ روزنامه «طوفان» را در تهران منتشر کرد. این روزنامه در یک بازه زمانی ۱۵ ساله بیش از ۱۵ بار توقیف و دوباره منتشر شد که دلیل آن دستگیری فرخی بزدی از طرف عوامل دربار احمدشاه بود. نصرالله حدادی، می‌گوید: «انتشار طوفان به‌خاطر دستگیری مکرر فرخی دچار توقف می‌شد اما او مجبور و امتیاز روزنامه‌هایی مثل «پیکار»، «طلیعه آینه افکار» و «ستاره شرق» را داشت و مقالات و اشعارش را منتشر می‌کرد. فرخی که به‌عنوان روزنامه‌نگار منتقد، محبوبیتی بین مردم پیدا کرده بود در سال ۱۳۰۷ به مجلس راه پیدا کرد و در مجلس هم در برابر عوامل دربار احمدشاه قرار گرفت. با روی کار آمدن رضاشاه، فشارها روی روزنامه‌نگارها و آزادخواهان شدت گرفت و در همان سال‌ها فرخی به گاراژ فولادی تهران تبعید شد.»

او در بهار سال ۱۳۱۲ و بعد از چندماه اقامت در گاراژ فولادی به عمارت کلاه‌فرنگی در بند شمیران منتقل شد و شعر معروف «در بند در بندیم ما» را در همین محل سرود. او بعد از مدتی به اتهام واهی به‌هکاری به یک کاغذ فروش راهی زندان قصر شد و در همان روزها پرونده‌ای با اتهام «اسائه ادب به مقام سلطنت» برای او تشکیل دادند. فرخی ابتدا به ۲۷ ماه و بعد از اعتراض به ۳۰ ماه حبس محکوم شد. او در زندان مدام شکنجه می‌شد تا اینکه در ۲۵ مهر ۱۳۱۸ و با دستور رضاشاه کشته شد.



## دعوی عروس و مادر شوهر در جریده شکوفه

انتشار شکوفه سال ۱۲۹۲ شمسی شروع شد و تا زمان مرگ مریم عمید ادامه داشت. از ویژگی‌های این نشریه این بود که علاوه بر موضوعات روزمره زندگی زنان، برای نخستین بار به موضوعات سیاسی نیز پرداخت. مریم عمید در شکوفه، مقالاتی درباره آموزش مردان درباره اینکه چگونه باید با زنان رفتار کنند چاپ می‌کرد و به مردان تأکید می‌کرد این نشریه را برای زنانی که سواد ندارند بخوانند. بعد از شکوفه روزنامه «زبان زنان» با سردبیری صدیقه دولت‌آبادی در تهران منتشر شد. البته این روزنامه ابتدا در اصفهان چاپ شد ولی زمانی که دولت‌آبادی در سال ۱۳۰۰ به تهران آمد انتشار این نشریه را در تهران ادامه داد. زبان زنان تادی ماه سال ۱۳۲۴ در ۳ دوره و در مجموع ۶۸ شماره منتشر شد.

این نشریه را تنها زنان می‌نوشتند و با خط نستعلیق و چاپ سنگی و با شعار «الجنه تحت اقدام الامهات (بهشت زبیر بای مادران است)» در تهران منتشر می‌شد.



■ موضوع: نشریه زنان  
 ■ ویژگی: ورود کاریکاتورها به نشریه زنان

نخستین نشریه زنان را «عفت سیاح سپانلو» معروف به «دکتر معصومه کحال» راه‌اندازی کرد؛ نشریه «دانش» که بعد از انقلاب مشروطه، فرش قرمز برای ورود زنان به دنیای بیرون از خانه شد. دکتر کحال، دختر یک حکیم باثباتی بود. او به دلیل علاقه به پزشکی، طبابت را نزد مبلغان آمریکایی در تهران فراگرفت و به‌عنوان نخستین زن چشم‌پزشک ایرانی مدرک گرفت و مطبش را در خیابان جلیل‌آباد یا همان خیام‌فعلی راه‌اندازی کرد. مهرشاد کاظمی، تهران‌پژوه، درباره نخستین نشریات زنان در تهران می‌گوید: «دکتر کحال سال ۱۲۸۹ شمسی به همت انجمنی از زنان تهرانی و به سردبیری خودش نشریه دانش را راه‌اندازی کرد؛ هفته‌نامه‌ای که برای نخستین بار به‌طور اختصاصی به موضوعات مربوط به زنان پرداخت. این نشریه سیاسی نبود و به موضوعاتی همچون خانه‌داری، شهرداری و بچه‌داری می‌پرداخت. هفته‌نامه دانش بعد از ۳۰ شماره متوقف شد.»

کاظمی در ادامه درباره جذاب‌ترین نشریه بانوان تهران می‌گوید: «اگر چه دانش نخستین نشریه زنان بود اما نشریه شکوفه با سردبیری مریم عمید را می‌توان نخستین روزنامه مصور زنان، از لحاظ کیفیت و حجم، معرفی کرد؛ روزنامه‌ای که مخصوص بانوان بود و در ابتدا با خط نستعلیق منتشر می‌شد و صفحه آخر آن به کاریکاتورهای طنز اختصاص داشت.»

این نشریه با این بیت آغاز می‌شد: باد آمد و بوی عنبر آورد/ بادام شکوفه بر سر آورد. همچنین تصاویر طنز روزنامه شکوفه باعث شد تا این جریده بین زنان طرفدار پیدا کند؛ تصاویری همچون دعوی عروس و مادر شوهر، رسم چهارشنبه‌سوری، گفت‌وگوی زنان با یکدیگر و...»

اختصاصی به موضوعات مربوط به زنان پرداخت. این نشریه سیاسی نبود و به موضوعاتی همچون خانه‌داری، شهرداری و بچه‌داری می‌پرداخت. هفته‌نامه دانش بعد از ۳۰ شماره متوقف شد.

کاظمی در ادامه درباره جذاب‌ترین نشریه بانوان تهران می‌گوید: «اگر چه دانش نخستین نشریه زنان بود اما نشریه شکوفه با سردبیری مریم عمید را می‌توان نخستین روزنامه مصور زنان، از لحاظ کیفیت و حجم، معرفی کرد؛ روزنامه‌ای که مخصوص بانوان بود و در ابتدا با خط نستعلیق منتشر می‌شد و صفحه آخر آن به کاریکاتورهای طنز اختصاص داشت.»

این نشریه با این بیت آغاز می‌شد: باد آمد و بوی عنبر آورد/ بادام شکوفه بر سر آورد. همچنین تصاویر طنز روزنامه شکوفه باعث شد تا این جریده بین زنان طرفدار پیدا کند؛ تصاویری همچون دعوی عروس و مادر شوهر، رسم چهارشنبه‌سوری، گفت‌وگوی زنان با یکدیگر و...»